

کره جنوبی توانست، ما چرا نتوانیم؟

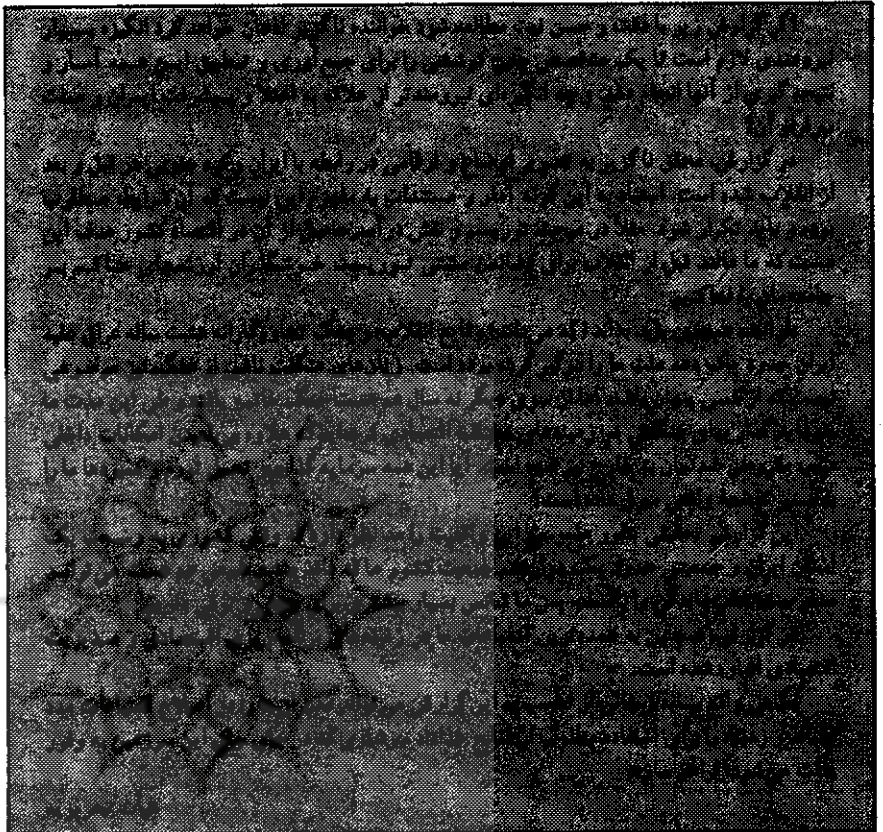
په‌پهنة سرزمین ایران بیش از ۱۶/۵ برابر وسعت کشور کره جنوبی است. ذر حقیقت مساحت کشور کره جنوبی کمتر از استان اصفهان است (۱).
در کنار پهنة وسیع، گوناگونی آب و هوای ایران، موقعیت ویژه‌ای به این کشور می‌دهد.
اکنون نگاه کوتاهی به امکانات و ویژگیهای دو کشور کره جنوبی و ایران بیفکنیم:

الف- کره جنوبی (ارقام مربوط به سال ۱۹۹۲ است)
- پهنة جغرافیائی: ۹۹/۰۱۶ کیلومتر مربع (از نظر پهنة، یکصد و هشتمین کشور جهان است).
- جمعیت: ۴۳۶۶/۰۰۰ نفر. (از نظر جمعیت بیست و چهارمین کشور جهان است).
- تراکم جمعیت: ۴۴ نفر در کیلومتر مربع.
- نرخ رشد سالانه جمعیت: میان سالهای ۹۱-۱۹۸۰ برابر با ۱/۱ درصد محاسبه شده است.
- شهرنشینی: ۷۳ درصد از کل جمعیت کره جنوبی در شهرها سکونت دارند.

ب- ایران (ارقام سال ۱۹۹۲)
- پهنة جغرافیائی: ۱/۶۴۸/۱۵۹ کیلومتر مربع (از نظر پهنة، هفدهمین کشور جهان).
- جمعیت (به موجب سرآورد این مطالعه): ۵۷/۲۸۹/۰۰۰ نفر (از نظر جمعیت، پانزدهمین کشور جهان).

- تراکم جمعیت: ۳۴/۸ نفر در هر کیلومتر مربع.
- نرخ متوسط رشد جمعیت: میان سالهای ۱۳۵۹-۷۰ هجری-شمسی (۹۱-۱۹۸۰ میلادی) حدود ۲/۴ درصد.
- شهرنشینی: در سال ۱۳۷۰ حدود ۵۷ درصد از جمعیت ایران شهرنشین بوده‌اند.

الف- در کره جنوبی:
در سال ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۳۹ هجری-شمسی)، یعنی پس از گذشت هفت سال از پایان جنگ در شبه جزیره کره، دولتمردان کره جنوبی به فکر صنعتی کردن کشور افتادند (۲). با توجه به تقسیم‌بندی جهان به دو بخش شرق و غرب و قرار گرفتن کره جنوبی در حوزه نفوذ غرب، آنها خواستار یاری غرب در زمینه احداث کارخانه ذوب آهن شدند.
غربی‌ها به دولتمردان کره جنوبی گفتند که اقتصادهای دمقانی، قادر به پذیرش یک کارخانه ذوب



ارقام هستند، هر چند بازگوکننده حقایق تلخ و ناگوار.

ایران و کره جنوبی، مراحل صنعتی شدن را همزمان آغاز کردند. اما، باید توجه داشت که ایران نسبت به کره جنوبی از امکانات بالقوه بسی نظیری برخوردار است. مهم‌ترین این امکانات عبارتند از:

الف- ایران از یک درآمد نفتی بالا برخوردار است که می‌تواند و می‌توانست نیازهای ارزی کشور را برای سرمایه‌گذاری تا حدود زیادی برطرف کند. پس از سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴ میلادی) و افزایش ناگهانی قیمت نفت خام در بازارهای جهانی، ایران نه تنها آغاز به سرمایه‌گذاری در خارج کرد بلکه به صورت یک کشور وام‌دهنده درآمد.

ب- ایران دارای منابع طبیعی دیگر مانند گاز، ذغال‌سنگ، مس و... نیز هست. باید توجه داشت که ایران دارای دومین منابع گاز شناخته شده در جهان است.

نوشته دکتر هوشنگ طالع

مطلبی که در پی می‌آید، گزارشی است تطبیقی میان اقتصاد و توان تولید دو کشور ایران و کره جنوبی. برای تهیه این گزارش از دو منبع اصلی داخلی و خارجی، بهره گرفته شده است. منبع داخلی یاد شده عبارت است از سالنامه آماری کشور و منبع خارجی "Welt Almanach". از آنجاکه آخرین سالنامه آماری منتشر شده در کشور مربوط به سال ۱۳۷۲ است و بیشترین آمار آن، سال ۱۳۷۰ را می‌پوشاند، در مورد منبع خارجی نیز از 94 Welt Almanach استفاده شده است تا در برگزیده آمار مربوط به سال ۱۹۹۱ میلادی (۱۳۷۰ خورشیدی)، باشد.

برای دوری جستن از نظرات شخصی و حفظ بی‌طرفی که لازمه این گونه بررسی‌هاست از قلم‌فرسائی پرهیز کرده‌ایم و بیشتر از آمار و ارقام استفاده شده است. نتیجه‌های گرفته شده، بازگوکننده حقایق متکی بر آمار و

آهن در بافت اقتصاد عقب افتاده خود نیستند. با دریافت چنین پاسخی از سوی غرب، هیأت حاکمه وقت کره جنوبی که اغلب تحصیلکرده‌های دانشگاه‌های ژاپن بودند، روبرو کشور مزبور آوردند و بدین سان سنگ بنای اولین ذوب آهن کره جنوبی را نهادند. پس از این مرحله، آنها اقدام به خرید چند کارخانه ماشین‌سازی از ژاپن کردند و فراگرد صنعتی شدن کره جنوبی آغاز شد. در سال آغازین این فراگرد، یعنی در سال ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۳۹)، درآمد سرانه مردم کره جنوبی تنها ۱۰۰ دلار بود. یعنی کمتر از درآمد سرانه یک هندی و یک غنایی.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که کره جنوبی دارای منابع طبیعی قابل ذکری نیست و این خود می‌توانست فراگرد توسعه این کشور را کند کند.

ب- در ایران:

ایران نیز تلاش در راه صنعتی شدن را همزمان با کره جنوبی آغاز کرد. (۳) ایران نیز در آغاز، روی به غرب آورد. مشساوران فولادسازی کاپیزو آمریکا، مطالعاتی انجام دادند و در نهایت احداث یک کارخانه ذوب آهن ۳۰۰ هزار تنی را پیشنهاد کردند. اما، بخش خصوصی و دولت آمریکا حاضر نشد که امکان تأسیس چنین واحدی را به ایران دهد. ایران با شرکت آلمانی کروپ وارد گفتگو شد. اما، اارهارد وزیر اقتصاد

وقت آلمان (و به گفته‌ای طراح معجزه اقتصادی کشور مزبور)، پس از بازگشت از سفری به ایران، به خبرنگاران گفت: تب ذوب آهن، همه کشورهای دهقانی را در بر گرفته است. ایران نیز چنین درخواستی از ما دارد، اما آنها در حدی نیستند که بتوانند از عهده اداره یک کارخانه ذوب آهن بزر آیند. با دریافت این پاسخ، ناچار حکومت ایران به شوروی رو آورد. سرانجام، اولین ذوب آهن ایران در سالهای آغازین دهه پنجاه به بهره‌برداری رسید. همزمان با خرید ذوب آهن، حکومت ایران قراردادهایی با شوروی، چکسلواکی و رومانی برای ایجاد دو کارخانه ماشین‌سازی و یک کارخانه تراکتورسازی بست. بدین سان، فراگرد صنعتی کشور آغاز شد.

در سال ۱۳۳۹، یعنی در آغاز فراگرد صنعتی شدن

دو کشور درآمد سرانه مردم کره جنوبی حدود ۱۰۰ دلار بود؛ در حالی که در همان سال درآمد سرانه مردم ایران، بیش از دو برابر مردم کره و برابر با ۲۱۰ دلار بود.

اولین برآورد تولید ناویژه داخلی و در نتیجه تولید ناویژه ملی ایران، در بهار سال ۱۳۴۱ از سوی وزارت اقتصاد، منتشر شد. بر پایه محاسبه مزبور، تولید ناویژه ملی ایران برای سالهای ۱۳۳۷-۴۰ وسیله سازمان برنامه، برآورد شد. بر پایه این محاسبات تولید ناویژه داخلی (G D P) ایران در سال ۱۳۳۹ بیش از ۳۱۵ میلیارد ریال، برآورد گردید. (۴)

اکنون کجا هستیم؟

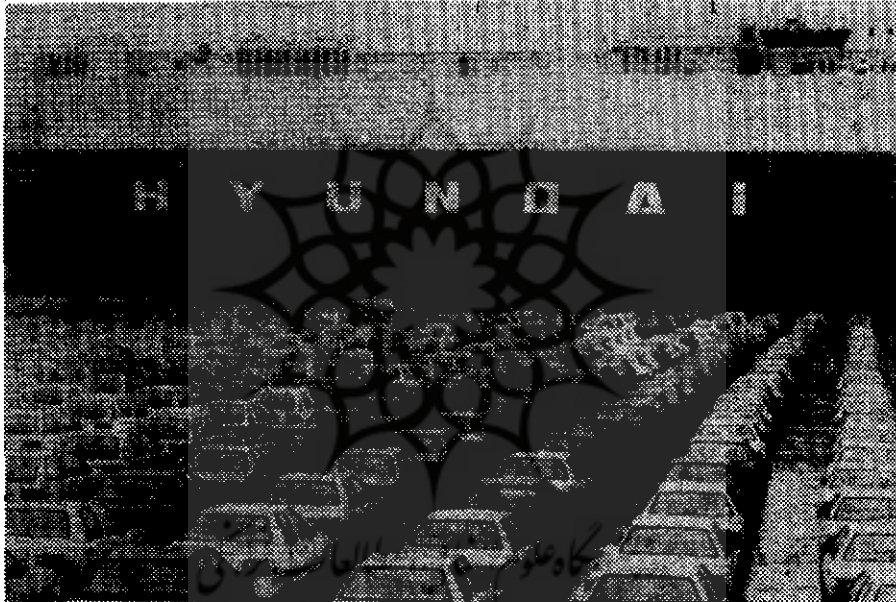
در سال ۱۹۹۱ میلادی (۱۳۷۰)، درآمد سرانه مردم کره جنوبی ۶۳۳۰ دلار و تولید ناویژه داخلی کشور مزبور حدود ۲۸۳ میلیارد دلار بوده است، در همان سال

تولید ناویژه داخلی ایران از ۱۱۵۲۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۵ به رقم ۱۳۱۱۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱)، افزایش یافته است. بدین سان، در عرض ۱۷ سال (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱)، تنها ۱۳/۶ درصد رشد نشان می‌دهد. رشد متوسط سالانه تولید ناویژه داخلی (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱)، تنها حدود ۰/۸ درصد بوده است.

جدول زیر، تولید ناویژه داخلی ایران را بر پایه قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱، برای سالهای ۱۳۵۵-۷۲ نشان می‌دهد.

سال	تولید ناویژه داخلی
۱۳۵۵	۱۱۵۲۷ میلیارد ریال
۱۳۶۵	۱۰۲۴۹ میلیارد ریال
۱۳۷۰	۱۲۱۸۱ میلیارد ریال
۱۳۷۱	۱۲۸۷۹ میلیارد ریال
۱۳۷۲	۱۳۱۱۴ میلیارد ریال

در همین مدت، جمعیت کشور از نزدیک به ۳۴ میلیون تن به حدود ۵۹ میلیون نفر بالغ شده است. در نتیجه، افزایش جمعیت کشور از یکسو و رشد سالانه بسیار ناچیز تولید ناویژه داخلی از سوی دیگر، باعث کاهش شدید درآمد سرانه مردم ایران گردیده است. جدول زیر درآمد سرانه مردم ایران را (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱) میان سالهای ۷۲-۱۳۵۵ نشان می‌دهد.



کشتی‌های ساخت کره جنوبی اتومبیل‌های ساخت کره جنوبی را به بازارهای ۵ قاره جهان حمل می‌کنند

سال	تولید ناویژه داخلی	جمعیت	درآمد سرانه
۱۳۵۵	۱۱۵۲۷	۳۳۷۰۹	۳۴۱
۱۳۶۵	۱۰۲۴۹	۴۹۴۴۵	۲۰۷
۱۳۷۰	۱۲۱۸۱	۵۵۸۳۷	۲۱۸
۱۳۷۱	۱۲۸۷۹	۵۷۲۸۹	۲۲۵
۱۳۷۲	۱۳۱۱۴	۵۸۷۷۹	۲۲۳

بدین سان، می‌بینیم که در عرض ۱۷ سال درآمد سرانه یک ایرانی از رقم ۳۴۱۹۵۶ ریال در سال ۱۳۵۵ به ۲۲۳۱۰۷ ریال در سال ۱۳۷۲ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱) کاهش یافته است. در نتیجه درآمد سرانه مردم ایران، در عرض ۱۷ سال گذشته ۳۴/۷ درصد تنزل کرده است. یعنی سالانه حدود بیش از دو درصد.

مهم‌تر این که در اثر پیش گرفتن سیاست‌های

درآمد سرانه ایرانیان ۶۷۳ دلار و تولید ناویژه داخلی ایران ۳۸ میلیارد دلار بوده است.

بدین سان، در حالی که در سال ۱۳۳۹ درآمد سرانه هر ایرانی بیش از دو برابر یک شهروند کره جنوبی بود، امروز به حدود ۱۰ درصد آن تنزل یافته است. یعنی در عرض سه دهه، درآمد سرانه هر ایرانی تنها کمی بیشتر از ۳ برابر شده است، در حالی که درآمد سرانه هر شهروند کره‌ای در زمان مشابه ۶۳ برابر افزایش پیدا کرده است.

البته باید توجه داشت که در سال ۱۳۷۰ از ۲۸/۳ میلیارد دلار تولید ناویژه داخلی ایران، نزدیک به ۴/۵ میلیارد دلار آن ارزش افزوده فعالیت مربوط به نفت بوده است. یعنی در سال ۱۳۷۰، هر ایرانی حدود سالانه ۷۹ دلار و یا ۱۲ درصد از مجموع درآمد سرانه خود را از راه فعالیت‌های مربوط به نفت بدست آورده بود.

نادرست در راستای تأمین منابع مالی دولت از طریق افزایش قیمت مبادله دلارهای نفتی، ارزش پول ملی ایران به سرعت کاهش داده شد. البته ایجاد محیط نامناسب، به فرار سرمایه و در نتیجه افزایش قیمت ارز و کاهش ارزش پول ملی کمک کرد. اما مصیبتی که امروز دامنگیر پول ملی، و در نتیجه اقتصاد ملی ایران شده است، نتیجه پیش گرفتن آسان‌ترین و بدترین راه ممکن برای ایجاد درآمدهای لازم از سوی دولت، یعنی از طریق افزایش قیمت دلارهای نفتی بود.

البته باید قبول کرد که برابری هر دلار با حدود ۷۰ ریال (۵)، منطبق با نیازهای اقتصاد ملی ما نبود و به حق بسیاری از دست اندرکاران برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کشور، با این نرخ موافق نبودند. آنان برای تسریع حرکت صنعتی کشور و رهائی بخش کشاورزی، این نرخ را چیزی حدود ۱۱۰ - ۱۰۰ ریال برآورد می‌کردند. البته، چون هرگز با بررسی پیرامون این نظرها موافقت نشد، در نتیجه تحقیق دقیقی نیز در زمینه نرخ مطلوب دلار به عمل نیامد. (۶)

با وقوع انقلاب، نرخ ارز شروع به افزایش کرد. البته در این مرحله، با اقدام‌های دقیق و اساسی از سوی دولت، امکان تثبیت آن در حد معقول به خوبی وجود داشت. (۷) اما، گویی در آن گیرودار کسی به فکر اصلی‌ترین مسأله اقتصادی کشور نبود. پس از گذشت مدتی کوتاه، دولتمردان احساس کردند که این راه آسان‌ترین راه کسب درآمد است و از طریق بالا بردن نرخ ارز، براحتی می‌توان توقعات بی‌جا و معقول را در کوتاه مدت پاسخ داد.

از این رو، حرکت لجام گسیخته دلار به سوی بالا آغاز شد. نرخ برابری دلار در سال ۱۳۶۵ به حدود ۱۰۰۰ ریال رسید. یعنی در عرض ۸ سال، حدود ۱۴ برابر افزایش پیدا کرد.

سیس نرخ برابری به بیش از ۱۰۰۰ ریال افزایش پیدا کرد. با قبول آتش‌بسی از سوی حکومت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۷، نرخ برابری به رقم ۵۰۰ ریال تنزل کرد، اما دوباره به سرعت به رقم بالای ۱۰۰۰ ریال رسید. ارزش برابری دلار در سال ۱۳۷۰ به ۱۳۰۰ ریال افزایش پیدا کرد و در سال ۱۳۷۱ این رقم به ۱۷۵۰ ریال رسید و در سال ۱۳۷۲ نرخ برابری دلار با اظهارات مقام‌های گوناگون دولت، و به ویژه تصمیم‌های خلق‌الساعه بانک مرکزی به ۲۷۵۰ ریال افزایش پیدا کرد. با اعلام بانک مرکزی مبنی بر این که نرخ ارز صادراتی برای واردات ۴۲۳۰ ریال است، سیر لجام گسیخته دلار به سوی بالا آغاز شد و در اوایل سال ۱۳۷۴ به رقم ۷۰۰۰ ریال نیز رسید. سرانجام با اعلام دولت مبنی بر تثبیت نرخ دلار در حد ۳۰۰۰ ریال، این رقم اکنون میان ۴۲۰۰ - ۳۸۰۰ ریال در نوسان است.

با توجه به این نرخ‌ها، درآمد سرانه مردم ایران (با قدرت خرید هر ایرانی در بازارهای جهانی)، از رقم

۱۹۲۷ دلار در سال ۱۳۵۵، به ۵۸۰ دلار در سال ۱۳۷۲، تنزل کرد. یعنی پس از گذشت ۱۷ سال، درآمد سرانه مردم ایران، بیش از سه برابر کاهش یافت.

... شد از قهقهه سست

در سال ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۴۹)، دولتمردان کشور کره جنوبی اعلام کردند که این کشور قصد پیوستن به جرگه سازندگان کشتی‌های بازرگانی دارد. با شنیدن این خبر، غربی‌ها به گفته‌ی سعدی... از قهقهه سست شدند.

در همان ایام، ایرانیان نیز در پی ایجاد صنایع کشتی‌سازی برآمدند. در آغاز سال ۱۳۵۰، کارخانه کشتی‌سازی اروند (۸) که وسیله بخش خصوصی تأسیس گردیده بود وارد مرحله تولید شد. تولید این کارخانه عبارت بود از پیشرفته‌ترین قایق‌های تندروی مسلح برای استفاده نیروی دریایی و ژاندارمری. در همان زمان، دو کارخانه کشتی‌سازی دیگر که از سوی بخش خصوصی در آبادان و بندرعباس پایه‌گذاری شده بودند، در مراحل مختلف تولید قرار داشتند.

کارخانه اروندان در آغاز جنگ، بدست نیروهای عراقی افتاد. عراقی‌ها این کارخانه را پیاده کردند و به داخل خاک خود انتقال دادند و قایق‌های تولید موجود در کارخانه را نیز علیه نیروهای ایرانی به کار گرفتند. از دو واحد دیگر هم، بدلائل مختلف، امروز اثری نیست. در حقیقت، امروز ایران فاقد تولید جدی و قابل طرح در زمینه کشتی‌سازی است.

در عوض، کره جنوبی در سال ۱۹۹۱، با ساخت ۳۴۹۷/۰۰۰ تن کشتی بازرگانی (B R T) مقام دوم را در جهان بدست آورد.

«قهقهه»ی دیروز غربی‌ها، چه زود جای خود را به «گریه» داد. در سال ۱۹۹۱، مجموع تولید ۱۲ کشور اروپائی سازنده کشتی (غربی و شرقی)، کمتر از کره جنوبی بود.

از آنجا که بحث کشتی‌سازی است، بد نیست نظری به کشتی‌رانی و هم چنین ظرفیت بندرهای بزرگ در کشور بیاندازیم. جدول زیر کشتی‌رانی که در زیر پرچم ایران و کره جنوبی در سال ۱۹۹۲ در حرکت‌اند نشان می‌دهد.

کشور	تعداد* (فروند)	ظرفیت	رده جهانی
کره جنوبی	۶۷۳	۷/۱۵۰	پانزدهم
ایران	۱۷۶	۴/۴۷۱	بیست و سوم

* تنها کشتی دریائی که دارای بیش از ۳۰۰ BRT ظرفیت می‌باشد. در ارتباط با برابری دریائی، کره جنوبی دارای دو بندر بزرگ است که دارای رده‌بندی جهانی‌اند. (۹) این دو بندر عبارتند از:

- ۱- بندر «این چون» با توان ۷۱ میلیون تن تخلیه و بارگیری در سال ۱۹۹۱ (رده هفدهم جهان)
- ۲- بندر «پوسان» با توان ۶۷ میلیون تن تخلیه و

بارگیری در سال ۱۹۹۱ (رده بیستم جهان) برای مقایسه آمار مربوط به ترابری دریائی ایران آورده می‌شود. این ارقام همه بندرهای شمال و جنوب کشور را در برمی‌گیرد. جدول زیر کشتی‌های وارده و ظرفیت خالص کشتی‌های وارده به بندرهای کشور (شمال + جنوب) را در سالهای ۱۳۵۵-۷۲ نشان می‌دهد. (فروند- میلیون تن)

سال	کشتی‌های وارده	ظرفیت خالص
۱۳۵۵	۲۷۲۵	۱۳/۲
۱۳۶۰	۱۲۴۸	۵/۶
۱۳۶۵	۱۰۳۲	۷/۱
۱۳۶۸	۱۳۱۴	۸/۵
۱۳۶۹	۱۶۴۴	۹/۸
۱۳۷۰	۱۸۹۷	۱۲/۲
۱۳۷۱	۱۹۴۹	۱۲/۷
۱۳۷۲	۱۹۲۲	۱۱/۲

در زمینه تخلیه و بارگیری کالا، دو بندر بزرگ بازرگانی ایرانی یعنی بندرعباس (شامل هر دو بندرگاه) و بندر امام (شاهپور پیشین) در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱ میلادی)، دارای توان زیر بوده‌اند:

بندر	تخلیه	بارگیری	جمع
امام	۷/۹	۱/۱	۹/۰
عباس	۶/۸	۰/۹	۷/۷

* مآخذ سازمان بندر و کشتیرانی

سنول ۱۹۷۸ و سنول امروز

نوروز سال ۱۳۵۷، خواهرم همزاه خانوادهاش به خاور دور سفر کردند و در ضمن از پایتخت کشور کره جنوبی، یعنی شهر سنول نیز بازدید نمودند.

پس از بازگشت، از وی پرسیدم که سنول چگونه شهری است؟ گفت: با توجه به قیافه‌های ظاهری مردم، چیزی مانند گرگان و گنبد کاووس. خیابانها از خودرو خالی است. بیشترین خودروهایی که به چشم می‌خورند، خودروهای دولتی هستند. زنهار، بجای کیف، بقیچه‌هایی را روی سرشان حمل می‌کنند. شهر سنول، تنها دارای یک هتل بین‌المللی است که یکی دو طبقه آن آماده بود و بقیه لشکوب‌ها هنوز در دست ساختمان‌اند. شهر خیلی تاریک است و از چراغ‌های درخشان و تابلوهای نورانی خبری نیست.

چنین بود چهره سنول از نظر یک جهانگرد در آغاز سال ۱۳۵۷. در حالی که در همانسال، تهران از فشار خودروها دچار کندی «آمد و شده» (ترافیک) بود. هتل‌های دولتی هتلتون و شرایتون، انترناشنال، هایت و چند هتل درجه یک دیگر در تهران وجود داشت. هتل‌های هایت مشهد، هایت شمال، شاه عباس و... اصفهان، کورش و داریوش شیراز، انترناسیونال تبریز و هتل آبادان، در زمره هتل‌های درجه یک جهان بودند.

امروز، رقم درآمد ایران از محل صنعت جهانگردی بسیار ناچیز است و به زحمت به ۱۶۰ میلیون

دلار می‌رسد. در حالی که، کشور کره جنوبی توانسته است رقم درآمد خود را از این محل در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) به حدود ۳ میلیارد دلار برساند.

بنا به گفته مسافران یاد شده، در آن سال فرودگاه سنول برابر فرودگاه مهرآباد تهران در حد یک فرودگاه شهرستانی بود. در همان زمان فرودگاه بزرگ تهران که از فرانکفورت تا توکیو، بزرگترین فرودگاه دنیا به حساب می‌آید، در دست ساختمان بود.

در این میان، فرودگاه سنول از یک فرودگاه گنمات بدل به یک فرودگاه مهم جهانی شده است. فرودگاه سنول در سال ۱۹۹۱ با جابجایی بیش از ۱۸ میلیون مسافر، مقام بیست و هشتم را میان فرودگاه‌های مهم جهان بدست آورده است. فرودگاه بین‌المللی مهرآباد که در مرکز تلاقی شرق و غرب قرار دارد و از موقعیت

سراشته برق در ایران در سال ۱۳۷۰ حدود ۱۰۲۱ کیلووات ساعت محاسبه شده است. یعنی، مصرف برق سرانه مردم کره جنوبی، نزدیک به سه برابر مصرف سرانه ایرانی است.

«نامی که می‌شناسید و به آن اطمینان دارید»
در اوائل دهه ۴۰ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی) کارخانه «ارج» (سازنده لوازم خانگی) با شعار: نامی که می‌شناسید و به آن اطمینان دارید، با وجود انواع ساخته‌های خارجی، دارای طرفداران پر و پاقرصی میان خانواده‌های ایرانی بود. اما، در آن زمان، کره‌ای‌ها از چنین موهبتی در داخل کشور خود بی‌بهره بودند. به دنبال کارخانه ارج، کارخانه آزمایش نیز نامی برای خود بدست آورد و دیگران نیز به تدریج وارد بازار تولید

غرب در زمینه توسعه صنعتی دست رد به سینه کره‌ای زد و کره‌ای‌ها از ژاپن کمک گرفتند

بسیار مهمی در زمینه حمل و نقل هوایی برخوردار است و روزگاری فعال‌ترین فرودگاه منطقه به شمار می‌رفت، در سال ۱۳۷۰ توانسته است تنها حدود ۵ میلیون مسافر را جابجا کند. (۱۰)

در ضمن باید بدانیم که در سال ۱۹۹۱ از راه فرودگاه بین‌المللی «کیم پوه سنول»، بیش از ۷۰۰ هزار تن کالا جابجا شده است. این رقم برای فرودگاه مهرآباد در سال ۱۳۷۰، تنها حدود ۵۵ هزار تن بوده است.

در حالی که در آن زمان، شهر سنول در تاریکی قرار داشت و از چراغ‌های درخشان و تابلوهای نورانی، خبری نبود، تهران شهر پرنوری بود. افزایش شدید قیمت نفت در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴)، کشورهای در حال رشد را مجبور به صرفه‌جویی بیشتر در مصرف این ماده و در نتیجه در تولید و مصرف برق کرد. در همان زمان، ایران به دلیل برخورداری از منابع عظیم نفت، بدون دغدغه خاطر می‌توانست برق مورد نیاز خود را با سوخت ارزان بدست آورد.

اما، اینک، کره جنوبی با جمعیتی به مراتب کمتر از جمعیت کشور ما، در سال ۱۹۹۱ میلادی (۱۳۷۰) بیش از دو برابر ایران، برق تولید کرده است. جدول زیر مقایسه تولید برق دو کشور را در سالهای ۹۱-۱۹۸۹ (۷۰-۱۳۶۸) نشان می‌دهد.

سال	۱۹۸۹ (۱۳۶۸)	۱۹۹۰ (۱۳۶۹)	۱۹۹۱ (۱۳۷۰)
ایران	۴۶	۵۲	۵۷
کره جنوبی	۹۳	۱۰۸	۱۱۹

ارقام تولید، سر راست شده‌اند.

در مورد هر دو کشور، برق تولید شده وسیله صنایع برای خود مصرفی محاسبه نشده‌اند.

مصرف سرانه برق در کشور کره جنوبی در سال ۱۹۹۱ برابر با ۲۳۳۶ کیلووات ساعت بوده است. مصرف

لوازم خانگی شدند. در همان سالها، ایران با مونتاژ و ساخت قطعات تعدادی از بهترین سازندگان تلویزیون در جهان، پاسخگوی بازار داخلی بود.

پس از گذشت حدود سه دهه، به هر کجای تهران که نگاه می‌کنی، آگهی لوازم خانگی ساخت کره جنوبی، چشم دوستداران این ملت را آزار می‌دهد. دیگر سخنی از «ارج» نامی که می‌شناسید و به آن اطمینان دارید، در میان نیست. در عوض مردم ایران با نام «سامسونگ»، «دای وو» و «گلدستاره»، آشنا هستند و به ناچار به آنها «اطمینان» دارند.

نظری گذرا به ارقام تولید تلویزیون و دیگر لوازم خانگی کشور کره جنوبی، شاید موقعیت ما و آنها را بهتر نشان دهد: (ارقام مربوط به سال ۱۹۹۰ میلادی است).

تولید تلویزیون: ۱۵/۸۳۸/۰۰۰ دستگاه (مقام دوم جهان)

تولید یخچال: ۲/۸۲۷/۰۰۰ دستگاه (مقام هفتم جهان)

تولید ماشین رختشویی تمام خودکار خانگی: ۲/۱۶۳/۰۰۰ دستگاه (مقام هفتم جهان)

تولید رادیو (در سال ۱۹۸۸): ۱/۴۱۲/۰۰۰ دستگاه (مقام یازدهم جهان)

در برابر این ارقام، تولید همین محصولات در کشورمان اکنون آنگقدر نازل است که همان بهتر که از ذکر آنها خودداری شود.

«پیکان» و «دای وو» (DAEWOO)

در سال ۱۳۴۵، پس از چند تجربه نه چندان موفق در زمینه صنعت مونتاژ خودرو، کارخانه ایران ناسیونال، آغاز به پیش فروش خودروهای پیکان کرد. به دنبال آن، کارخانه‌های مونتاژ جیب، لندرور، رامبلر (آریبا شاهین)، شورولت ایران (شورولت، بیوک، کادیلاک و

اپل)، تولیدات خود را وارد بازار کردند. در زمینه مونتاژ بارکش (کامیون)، ایران بخت بارتتر بود. چهار بارکش بسیار موفق جهان، یعنی بنز (آلمان)، ماک (ایالات متحده)، لیلاند (انگلستان)، ولوو (سوئد) که هر یک سرآمد تولیدات کشور مربوط هستند، در ایران مونتاژ شدند. (۱۱)

در میانه دهه پنجاه خورشیدی، اگرچه ایران هنوز موفق به طراحی و ساخت خودروهای سواری نشده بود، اما در زمینه مونتاژ سواری و بارکش در میان کشورهای در حال رشد، شاخص بود. رقم مونتاژ خودروی سواری در ایران در سالهای دهه پنجاه خورشیدی به بیش از ۱۳۰ هزار دستگاه در سال می‌رسید.

گروه «دای وو» (DAEWOO) در سال ۱۹۶۷ میلادی (۱۳۴۶) بنیان‌گذاری شد. اکنون پس از گذشت تقریباً سه دهه از آن روزگاران، کره جنوبی که در آغاز در زمینه صنعت مونتاژ خودرو، در سایه ایران حرکت می‌کرد، بسدل به یکی از بزرگترین تولیدکنندگان خودروهای سواری در سطح جهان شده است.

در سال ۱۹۹۱، کشور کره جنوبی با تولید ۱/۱۳۱/۶۰۰ دستگاه خودروی سواری، در رده نهم جهانی قرار داشت. البته این ارقام، شامل صنعت مونتاژ نیست. از سوی دیگر در همان سال کشور مزبور ۳۱۸ هزار دستگاه بارکش، اتوبوس و وانت تولید کرده است. برای آگاهی از مسأله مونتاژ خودروهای سواری در سطح جهانی، ارقام مربوط به تولید و کشورهای پیشرو در صنعت مونتاژ، آورده می‌شود. ارقام جدول مربوط به سال ۱۹۹۱ میلادی (۱۳۷۰) است:

ارقام به هزار دستگاه	بزرگ	دستگاه
۱۰۶۵	- بلژیک	دستگاه
۲۲۲	- آفریقای جنوبی	دستگاه
۱۹۸	- ترکیه	دستگاه
۱۵۲	- مالزی	دستگاه
۷۸	- پرتغال	دستگاه

پالایشگاه سنول، حاصل کار و سرمایه ما

در میانه دهه پنجاه خورشیدی، شرکت ملی نفت ایران برای ورود به بازارهای جهانی، کوشش گسترده‌ای را آغاز کرد. فرآیند این کوشش، قرارداد ساخت پالایشگاه در آفریقای جنوبی، هندوستان و کره جنوبی بود. در سالهای آغازین انقلاب، پالایشگاه سنول به بهره‌برداری رسید.

اما، امروز پس از گذشت کمی بیش از دو دهه از آن روزگار، کره جنوبی در زمینه تولیدات پالایشگاهی، در سال ۱۹۹۱، مقام دوازدهم جهان را به خود اختصاص داده است. جدول زیر ارقام پالایش کشور کره جنوبی در سال ۱۹۹۱ را نشان می‌دهد.

ارقام به میلیون تن	بزرگ	ارقام به میلیون تن
۳/۴	بنزین	۳/۴
۱/۹	گازوئیل و سوخت هواپیما	۱/۹
۲۱/۵	سوخت سنگین (نفت کوره)	۲۱/۵
۱۷/۸	سوخت سبک	۱۷/۸

در مجموع کشور کره جنوبی در سال ۱۹۹۱ بیش از ۴۴/۵ میلیون تن نفت خام را پالایش کرده است. در سال ۱۳۷۰، ظرفیت پالایش نفت خام در پالایشگاههای ایران ۴۸/۳ میلیون تن بوده است (۱۲). در همان سال تولید انواع فرآوردههای نفتی پالایشگاههای کشور ۱۴۹/۳۶۳ متر مکعب در روز، یا برابر با ۴۵/۸ میلیون تن در سال بوده است (۱۳). ظرفیت پالایش انواع فرآوردههای نفتی کشور (قابل مقایسه با ارقام کره جنوبی)، در سال ۱۳۷۰ عبارتند از:

ارقام (میلیون تن)

۷/۲	- بنزین
۱۳/۴	- نفت گاز، سوخت هواپیما
۵/۹	- نفت سفید
۱۵/۴	- نفت کوره
۱/۶	- قیر
۴۳/۵	جمع

در زمینه صنایع پتروشیمی، اولین یگان تولیدی پتروشیمی کشور، کارخانه کود شیمیایی شیراز بود که در سال ۱۳۴۱ به بهره برداری رسید. به دنبال آن یگان پتروشیمی آبادان مورد بهره برداری قرار گرفت. گام واقعی با طراحی و آغاز به ساخت پتروشیمی بندر شاهپور (بندر امام کنونی) در این زمینه آغاز گردید که با انقلاب و سپس یورش نظامی عراق، سالها به تأخیر افتاد و سرانجام در سال ۱۳۷۳ به بهره برداری رسید. کره جنوبی، بسیار دیرتر از ایران به عرصه تولیدات پتروشیمی گام گذارد. امروز، کشور مزبور از نظر تولید در این رشته دارای رده بندی جهانی است. ارقام زیر نمایشگر نیرومندی کشور کره جنوبی در زمینه تولیدات گوناگون مواد پتروشیمی می باشد.

نوع تولید	سال ۱۹۸۹	سال ۱۹۹۰	رده های جهانی
الیاف مصنوعی (هزار تن)	۱۱۹۰	۱۲۷۰	ششم
پلاستیک (میلیون تن)	۲/۳	۲/۸	نهم
کاتوچوی مصنوعی (هزار تن)	۱۶۹	۲۲۷	پانزدهم

همچنین کشور کره جنوبی با تولید ۴۱۴ هزار تن کود شیمیایی فسفردار P205 در سال ۱۹۹۰ مقام دوازدهم را در سطح جهانی به خود اختصاص داده است.

بازرگانی خارجی

کشور کره جنوبی که سه دهه پیش در رده کشورهای جهان سوم قرار داشت، امروز از توانمندترین دهرهای آسیاست (۱۴). پس از جهش قیمت نفت در بازارهای جهانی در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴ میلادی)، درآمد صادراتی ایران به بیش از ۲۰ میلیارد دلار افزایش یافت، در حالی که در همان زمان، برای کره جنوبی درآمد ارزی چند میلیارد دلاری، رویانی دور دست بود. قیمت نفت، پس از رسیدن به بالاترین حد خود در سال ۱۹۸۱، سیر نزولی بخود گرفت و در نتیجه از درآمدهای صادراتی ایران نیز به مانند دیگر کشورهای

نفت خیز، سال به سال کاسته شد. در نتیجه با کاسته شدن از توان سرمایه گذاری، قدرت اقتصادی ایران نیز دچار سیر نزولی گردید. در این میان، کره جنوبی با دستیابی به تولید حدود ۴۰ میلیون تن فولاد در سال ۱۹۹۱ (رده های ششم جهان)، به یکی از قطب های نیرومند اقتصاد در سطح جهانی بدل شده است. افزون بر آن کشور مزبور با تولید نزدیک به ۱۴ میلیون تن ذغال سنگ، مقام پانزدهم جهان را در زمینه تولید این ماده در همان سال بدست آورده است. اما، در این میان کشور کره جنوبی توانسته است از نظر بازرگانی خارجی میان ۱۵ کشور عمده جهان قرار گیرد.

جدول زیر ارقام مربوط به واردات و صادرات کره جنوبی را نشان می دهد.

ارقام به میلیارد دلار - مقام جهانی ()

سال	واردات	صادرات	نسبت به کل صادرات جهان
۱۹۹۰	۱۴)۶۴/۹	۱۳)۶۲/۱	۱/۸۵۲
۱۹۹۱	۱۲)۸۱/۶	۱۲)۷۱/۱	۲/۰۹۱

البته باید توجه داشت که بخش قابل توجهی از واردات کسره جنوبی را نفت تشکیل می دهد. در سال ۱۹۹۲ حدود ۱۷ درصد از کل واردات کشور کره جنوبی را نفت تشکیل می داد. یا به عبارتی حدود ۱۴ میلیارد دلار.

ارقام مقایسه ای برای ایران عبارتند از:

(میلیارد دلار)

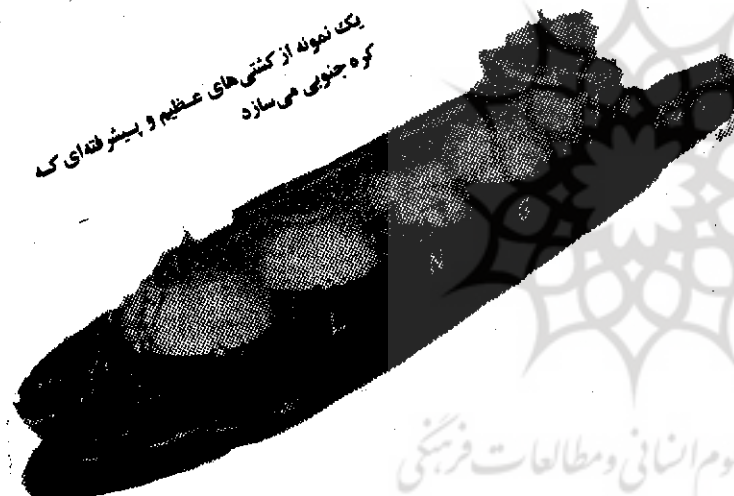
سال	واردات	صادرات	نسبت به کل صادرات جهان
۱۳۶۹	۱۸/۳	۱۹/۳	۰/۵۷۵
۱۳۷۰	۲۵/۲	۱۸/۷	۰/۵۴۹

شرکت سامسونگ (Sam Sung) طی سه دهه رشد سریع اقتصادی کره جنوبی، در رده ۲۰ شرکت بزرگ جهان قرار دارد. شرکت مزبور با فروش ۴۹/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲، هجدهمین شرکت بزرگ جهان بوده است. از لحاظ رده بندی در آسیا، پس از شرکت های ژاپنی تویوتا، هیتاچی، ماتسوشیتا و نیسان موتور، قرار داشته است.

چگونه می توان صادر کرد؟

سیاست نادرست تأمین منابع دولت از طریق افزایش قیمت دلارهای نفتی، نه تنها باعث افزایش شدید قیمت کالاهای وارداتی گردید، بر روی کالاهای مصرفی ساخت داخل نیز اثر مخربی بر جای گذارد. قیمت این گونه کالاهای به دلیل وابستگی به واردات مواد اولیه، لوازم یدکی و ماشین آلات و تجهیزات جایگزین، افزایش یافت. از سوی دیگر، گرانی روز افزون کالاهای وارداتی، میل به زراندوزی تولیدکنندگان داخلی را نیز افزایش داد و در نتیجه قیمت کالاهای تولید شده در داخل نیز تقریباً همپای کالاهای وارداتی افزایش پیدا کرد. در این میان از همه فاجعه آمیزتر، قیمت عمده فروشی کالاهای صادراتی است که بطور سرسام آوری افزایش پیدا کرد. قیمت عمده فروشی کالاهای صادراتی، با پیشی گرفتن از نرخ برابری ارز و بهای عمده فروشی کالاهای وارداتی و ساخت داخلی، پایه های صادرات واقعی کشور را بیش از پیش سست تر کرد. جدول زیر، واردات و صادرات کشور را در سالهای ۱۳۶۳-۷۰ نشان می دهد.

یک نمونه از کتفی های عظیم و پشورفته ای که کره جنوبی می سازد



(میلیون دلار)

سال	واردات*		صادرات	
	نفت و گاز	کالا	نفت و گاز	کالا
۱۳۶۳	۱۶۹۱۲	۱۶۶۶۳	۲۱۶	۱۶۸۷۹
۱۳۶۴	۱۱۷۶۰	۱۳۹۶۸	۲۹۲	۱۴۲۵۹
۱۳۶۵	۱۰۲۲۷	۵۹۸۱	۵۵۷	۶۵۳۹
۱۳۶۶	۱۰۵۳۷	۹۱۸۹	۶۶۷	۹۸۵۶
۱۳۶۷	۱۰۶۰۸	۹۶۷۳	۱۰۳۶	۱۰۷۰۹
۱۳۶۸	۱۳۴۴۸	۱۲۰۳۷	۱۰۴۴	۱۳۰۸۱
۱۳۶۹	۱۸۳۳۰	۱۷۹۹۳	۱۳۱۲	۱۹۳۰۵
۱۳۷۰	۲۵۱۹۰	۱۶۰۱۲	۲۶۴۹	۱۸۶۶۱

* ارقام جدول سرراست شده اند.

• ارزش FOB بدون در نظر گرفتن هزینه های حمل و بیمه صادرات غیرنفتی کاذب سالهای اخیر، بر چند پایه استوار بود:

۱- غیرواقعی نشان دادن رقم صادرات. نخست از سوی گمرک برای تأمین خوراک تبلیغاتی. دوم از سوی

سال ۱۳۷۲ برابر با ۱۰۰ در نظر گیریم، این شاخص در اسفندماه به ۱۲۹/۷ رسید. یعنی تورم رسمی در سال ۱۳۷۲ برابر ۲۹/۷ درصد بوده است. جدول زیر تغییرات شاخص بهای عمده فروشی را در سال ۱۳۷۲ نشان می‌دهد.

متوسط هزینه‌های خالص غیرخوراکی + متوسط هزینه‌های خالص خوراکی

(هزار ریال)

سال	شهری		روستائی	
	درآمد	هزینه	درآمد	هزینه
۱۳۶۱	۷۰۹/۶	۸۸۳/۵۹	۱۳۹۱/۸	۵۰۵/۴
۱۳۶۵	۱/۲۶/۶	۱۳۱۴/۶	۵۶۸/۵	۷۶۱/۶
۱۳۶۸	۱۴۶۷/۴	۲۰۸۶/۱	۱۰۱۲/۳	۱۳۰۷/۲
۱۳۶۹	۲۰۱۰/۵	۲۲۹۳/۸	۱۲۵۱/۱	۱۶۲۷/۳
۱۳۷۰	۲۸۴۰/۸	۳۰۵۸/۷	۱۵۶۳/۱	۱۹۳۱/۲
۱۳۷۱	۳۵۴۱/۳	۳۷۹۵/۷	۱۹۷۳/۸	۲۳۰۹/۹
۱۳۷۲	۴۴۲۵/۶	۴۶۱۲/۷	۲۲۷۹/۷	۲۷۳۱/۵

• ارقام جدول سر راست شده‌اند.

تعداد خانوارهای ایرانی در سال ۱۳۷۲ حدود، ۱۱/۳۵۶/۰۰۰ برآورد می‌گردد. رقم سرمایه برداری خانوارهای ایرانی سال ۱۳۷۲ با توجه به ترکیب خانوارهای شهری و روستائی به قرار زیر، می‌توان محاسبه کرد.

۱۸۷/۱۲۵ (اختلاف میان درآمد سرانه و هزینه) × ۶/۸۶۸/۰۰۰ (تعداد خانوارهای شهری) مساوی است با ۱/۲۸۵/۱۴۴/۵۰۰/۰۰۰ ریال یا ۱۲۸۵ میلیارد ریال.
 ۴۵۱/۷۶۴ (اختلاف میان درآمد و هزینه) × ۴/۴۸۷/۰۰۰ (تعداد خانوارهای روستائی) مساوی است با ۲۰۲۷/۵۱۶/۸۳۲/۰۰۰ ریال یا ۲۰۲۸ میلیارد ریال
 جمع ۳/۳۱۳ میلیارد ریال یا برابر با ۱/۱ میلیارد دلار

پس‌انداز و سرمایه‌گذاری

در حالی که سالهاست اقتصاد کشور کره جنوبی در شاهره توسعه و پیشرفت قرار گرفته، اقتصاد ایران به «بیراهه» افتاده است.

پس‌انداز ناویژه ملی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ از ۳۵۸۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۵ به حدود یک سوم آن در سال ۱۳۷۱ رسیده است. در حالی که در همین مدت جمعیت کشور تقریباً دو برابر شده است. و نرخ برابری ریال در برابر دلار، از ۷۰ ریال به رقم شگفت‌آور حدود ۴۰۰۰ ریال افزایش پیدا کرده است. جدول زیر پس‌انداز ویژه ملی کشور را به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ در سالهای ۷۱-۱۳۵۵ نشان می‌دهد.

(میلیارد ریال)

سال	پس‌انداز
۱۳۵۵	۳۵۸۹/۶
۱۳۶۰	۶۱۷/۷
۱۳۶۵	-۷۶/۱
۱۳۷۰	۱۰۳۰/۹
۱۳۷۱	۱۲۹۰/۲

در حالی که شاخص عمده‌فروشی کالاهای صادراتی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱، ۲۱۹۸/۵ افزایش یافته است، شاخص نرخ ارز در همین زمان به ۹۱۶ رسیده است. یعنی قیمت کالاهای صادراتی ایران بیش از دو برابر قیمت ارز افزایش یافته است. بدین‌سان، نه تنها کشور نتوانسته است امکان رقابت کالاهای صادراتی خود را در برون از مرزها افزایش دهد، بلکه بکلی امکان رقابت را (از نظر قیمت) از دست داده است. در این میان، مسأله کیفیت کالاهای ایرانی را، کنار می‌گذاریم و آن را نادیده می‌گیریم.

در حالی که کشور کره جنوبی با تورم اندک و نرخ رشد خالص بالا، به اقتصاد ملی و در نتیجه زندگی مردم این کشور سر و صورت خوبی داده است، ما، درست در جهت عکس حرکت کرده‌ایم.

نرخ متوسط رشد خالص درآمد سرانه مردم کره جنوبی میان سالهای ۹۱-۱۹۸۰، سالانه ۱۰ درصد بوده است. در همین دوران نرخ تورم کشور مزبور، سالانه ۵/۶ درصد بوده، در سال ۱۹۹۳ به رقم ۴/۵ درصد تنزل پیدا کرده است. نرخ بیکاری در کشور کره جنوبی در سال ۱۹۹۳ برابر با ۲/۵ درصد بوده است که مفهوم اقتصادی آن، عبارت است از اشتغال کامل.

اما، در ایران:

الف- تورم
 با به پای کاهش نرخ برابری پول ملی، قیمت‌های عمده‌فروشی (به عنوان نماگر تورم)، به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. به طوری که شاخص قیمت‌های عمده‌فروشی کشور از ۳۷/۶ در سال ۱۳۵۵ (قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱)، به ۷۶۷ در سال ۱۳۷۲ رسید. جدول زیر تغییرات قیمت‌های عمده‌فروشی را در سالهای ۱۳۵۵-۱۳۷۲ برپایه قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ نشان می‌دهد.

۱۳۶۱ = ۱۰۰

سال	شاخص کل
۱۳۵۵	۳۷/۶
۱۳۶۰	۸۷/۹
۱۳۶۱	۱۰۰
۱۳۶۵	۱۵۵/۸
۱۳۶۸	۲۹۹/۹
۱۳۶۹	۳۶۱/۷
۱۳۷۰	۴۶۳/۵
۱۳۷۱	۶۰۵/۸
۱۳۷۲	۷۶۷/-

بدین‌سان، نرخ متوسط تورم اقتصاد کشور میان سالهای ۷۲-۱۳۵۵، سالانه برابر با ۱۹/۴ درصد بوده است.

از سوی دیگر، نرخ تورم در سال ۱۳۷۲ افزایش بی‌سابقه‌ای یافته است. بطوری که شاخص متوسط بهای عمده‌فروشی که در فروردین ماه سال مزبور برابر با ۶۸۸ بود، در اسفندماه، به رقم ۸۹۲/۴ افزایش یافت. بدین‌سان، هرگاه شاخص عمده‌فروشی را در فروردین ماه

صادرکنندگان برای امکان واردات بیشتر
 ۲- عدم تعهد صادرکنندگان به واریز ارز حاصل به نظام بانکی کشور و در نتیجه عدم لزوم گشایش اعتبار از سوی خریداران

۳- انتظار افزایش نرخ ارز به صورت مداوم و در نتیجه انتظار سود از طریق افزایش قیمت ارز

۴- اجازه واردات برابر صادرات و تأمین سود لازم از طریق واردات. یعنی فروش ارزان دستنرخ ایرانی به خارجی و فروش هرچه گرانتر فرآورده‌های خارجی در بازار داخلی. جدول زیر شاخص کل و شاخص کالاهای تولید شده و مصرف شده در داخل و نیز کالاهای وارداتی و صادراتی را نشان می‌دهد.

۱۰۰ = ۱۳۶۱

سال	شاخص کل	کالاهای تولید شده و مصرف شده در داخل	کالاهای وارداتی	کالاهای صادراتی
۱۳۵۵	۳۷/۶	۳۵/۰	۶۷/۲	۳۸/۶
۱۳۶۰	۸۷/۹	۸۷/۳	۹۰/۳	۸۵/۷
۱۳۶۵	۱۵۵/۸	۱۵۳/۹	۱۵۱/۶	۴۸۴/۷
۱۳۶۸	۲۹۹/۹	۲۸۶/۴	۲۸۴/۵	۱۱۲۰/۲
۱۳۶۹	۳۶۱/۷	۳۵۰/۱	۳۸۲/۴	۱۲۶۸/۴
۱۳۷۰	۴۶۳/۵	۴۴۸/۵	۴۶۸/۶	۲۱۲۸/۸
۱۳۷۱	۶۰۵/۸	۵۸۲/۸	۶۶۵/۲	۱۹۸۵/۱
۱۳۷۲	۷۶۷/۰	۷۵۵/۴	۸۱۵/۵	۲۱۹۸/۵

بطوری که ملاحظه می‌شود، شاخص بهای عمده‌فروشی کالاهای صادراتی که در سال ۱۳۵۵ کمتر از شاخص بهای کالاهای وارداتی بود، طی ۱۷ سال نزدیک به سه برابر شده است، یعنی در سال ۱۳۷۲ به رقم باورنکردنی ۲۱۹۸/۵ افزایش پیدا کرده است. در صورتی که در همان سال شاخص بهای کالاهای وارداتی به رقم ۸۱۵/۵ رسیده است. به دیگر سخن، قیمت کالاهای وارداتی طی ۱۱ سال (۷۲-۱۳۶۱)، به بیش از ۸ برابر افزایش یافته، در حالیکه شاخص قیمت کالاهای صادراتی در همین زمان نزدیک به ۲۲ برابر شده است.

بدین‌سان، هرگاه افزایش شاخص کل قیمت عمده‌فروشی کالاهای وارداتی را هم‌آنگاه با افزایش نرخ برابری دلار بدانیم، در آن صورت باید قبول کنیم که کالاهای صادراتی کشور هر ساله بیش از پیش امکان رقابت در بازارهای جهانی را از دست داده‌اند. آیا، در یک برآورد سرانگشتی، با این قیمت‌ها امکان صادرات واقعی وجود دارد؟ جدول زیر شاخص کالاهای عمده‌فروشی وارداتی و صادراتی را با توجه به شاخص قیمت ارز نشان می‌دهد.

۱۰۰ = ۱۳۶۱

سال	کالاهای وارداتی	کالاهای صادراتی	نرخ ارز
۱۳۶۵	۱۵۱/۶	۴۸۴/۷	۳۰۰
۱۳۶۹	۲۸۲/۴	۱۲۶۸/۴	۳۳۳
۱۳۷۰	۴۶۸/۶	۲۱۲۸/۸	۴۳۳
۱۳۷۱	۶۶۵/۲	۱۹۸۵/۱	۵۶۷
۱۳۷۲	۸۱۵/۵	۲۱۹۸/۵	۹۱۶

• نرخ برابری دلار در سال ۱۳۶۱ برابر با ۳۰۰ ریال در نظر گرفته شده است.

با توجه به رقم‌های یاد شده ملاحظه می‌شود که پس‌انداز سرانه (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱) از ۱۰۶۴۵۹ ریال به رقم ۲۲۴۳۴ ریال کاهش یافته است. بدین‌سان سرانه پس‌انداز هر ایرانی طی سالهای ۷۱-۱۳۵۵ به‌جای افزایش، ۷۹ درصد نیز کاهش نشان می‌دهد. با توجه به کاهش پس‌انداز ویژه سرانه، امکان تشکیل سرمایه ثابت ناویژه در سطح ملی به قیمت‌های ثابت، طی نزدیک به دو دهه گذشته به طرز چشمگیری کاهش یافته است. یعنی، از رقم ۳۳۲۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۵ به رقم ۲۰۷۷/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱، تنزل پیدا کرده است.

ب- درآمد، هزینه و سرمایه‌گذاری

از سوی دیگر، هم‌چنانکه اشاره شد، درآمد سرانه مردم ایران از ۱۹۲۷ دلار در سال ۱۳۵۵ به رقم ۵۸۰ دلار در سال ۱۳۷۲ تنزل پیدا کرده است. در حالی که در سال ۱۹۹۴ میلادی (۱۳۷۳ خورشیدی) درآمد سرانه مردم کره جنوبی حدود ۸۵۰۰ دلار یا بیش از ۱۴ برابر درآمد سرانه مردم ایران می‌باشد.

«که دخلش بود ۱۹ و خرج ۲۰»

نگاهی به ارقام درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی، انسان را به یاد بیت معروف سعدی می‌اندازد. اختلاف میان درآمد و هزینه خانوارهای ایرانی نشان می‌دهد که امکان پس‌انداز و در نتیجه سرمایه‌گذاری از سوی خانوار، نه تنها وجود ندارد، بلکه هر ساله با سرمایه‌برداری (۱۵) خانوارها، اقتصاد ملی فقیرتر شده است.

از سوی دیگر، در حالیکه سرمایه‌گذاری کشور در ماشین‌آلات و لوازم کسب و کار در سال ۱۳۷۱ کمتر از سال ۱۳۵۵ می‌باشد، سرمایه‌گذاری در رشته ساختمان در همین مدت به نصف تنزل پیدا کرده است. جدول زیر تشکیل سرمایه ثابت به تفکیک ماشین‌آلات و ساختمان در سالهای ۷۱-۱۳۵۵ به قیمت‌های سال ۱۳۶۱ را نشان می‌دهد.

(میلیارد ریال)

سال	در ماشین‌آلات و لوازم کسب و کار	ساختمان	جمع
۱۳۵۵	۹۰۳/۵	۲۴۲۵/۳	۳۳۲۸/۸
۱۳۶۰	۴۲۶/۴	۱۲۹۷/۸	۱۷۲۴/۲
۱۳۶۵	۳۲۰/۴	۱۳۲۵/۵	۱۶۴۵/۹
۱۳۷۰	۷۸۱/۰	۱۱۶۱/۹	۱۹۴۲/۹
۱۳۷۱	۸۴۹/۹	۱۲۲۷/۴	۲۰۷۷/۳

در حالی که رقم پس‌انداز ویژه ملی در سال ۱۳۵۵، بیشتر از رقم تشکیل سرمایه ثابت ناویژه در سطح ملی است، ارقام سرمایه‌گذاری ثابت، از سالهای ۱۳۶۰ به بعد، کمتر از میزان پس‌انداز ناویژه ملی است. بدین‌سان، اختلاف این دو رقم، از منابع زیر تأمین شده‌اند: در مورد نیازهای ارزی، از محل استقراض

خارجی که کوشش بر آن است. که در این مورد از اصطلاح یوازس (وعده)، استفاده شود.

- در مورد نیازهای رالی، از طریق چاپ و انتشار اسکناس، بدون در نظر گرفتن پی‌آمدهای شوم آن. از سوی دیگر در سال ۱۳۵۵، پس‌انداز ویژه ملی مردم ایران به قیمت‌های جاری، برابر با ۲۷/۴ میلیارد دلار بود. این رقم در سال ۱۳۷۱ به حدود ۱۲ میلیارد دلار کاهش یافته است.

بدین‌سان در سال ۱۳۵۵، کشور قادر بود که برای تمامی کسانی که وارد بازار کار می‌شوند، با انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم، ایجاد شغل نماید. اما امروز، مسأله از چند سو با مشکل روبرو است:

نخست- تعداد بیکاران کشور بر پایه آمار رسمی در سال ۱۳۷۰ برابر با ۱/۶۴۰/۰۰۰ نفر بوده است. هرگاه این رقم را با تعداد جمعیت فعال که در همان سال ۱۴/۷۲۷/۰۰۰ نفر بوده‌اند، مقایسه کنیم در آن صورت نرخ بیکاری رسمی در کشور ۱۱/۱ درصد می‌باشد. البته باید توجه داشت که خیل عظیم بیکاران در آمارهای رسمی، زیر نام جمعیت غیرفعال پنهان گردیده است. جدول زیر جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کشور را بر پایه فعالیت در سال ۱۳۷۰ نشان می‌دهد.

(ارقام به هزار نفر)

جمعیت دهساله و بیشتر	جمعیت فعال		جمعیت غیرفعال
	شاغل	بیکار	
۲۸۶۵۵	۱۶۷۲۷	۱۳۰۹۸	۲۳۴۸۲
			۱۶۴۰

نگاهی دقیق به جدول بالا نشان می‌دهد که از کل جمعیت کشور در سال ۱۳۷۰ یعنی تعداد ۵۵/۸۳۷/۱۶۳ نفر، تنها ۱۴/۷۲۷/۰۰۰ نفر شاغل هستند و این گروه اندک می‌بایست بار زندگی خود و ۴۱/۱۰۰/۱۶۳ نفر را بدوش کشد. همین مسأله یکی از نمایانگرهای فقیر شدن مداوم کشور می‌باشد.

از سوی دیگر، کشور توان سرمایه‌گذاری برای ایجاد شغل برای جمعیت بیکار جویای کار را نیز ندارد. نگاهی به رقم بیکاران جویای شغل و با در نظر گرفتن کمترین میزان سرمایه‌گذاری لازم برای ایجاد هر شغل، مسأله را آشکارتر می‌کند: با فرض‌های زیر مبالغ مورد نیاز محاسبه شده‌اند.

- سرمایه‌گذاری لازم برای ایجاد یک هر شغل، حدود ۶۵ میلیون ریال

- میزان ارز لازم برای انجام هر ۱۰ هزار ریال سرمایه‌گذاری، مبلغ ۲ دلار

بدین‌سان، برای ایجاد شغل برای بیکاران جویای کار در سال ۱۳۷۰، می‌بایست، مبلغ زیر سرمایه‌گذاری شود.

میلیارد ریال $۱۰۶۶۰۰ = ۶۵/۰۰۰/۰۰۰ \times ۱/۶۴۰/۰۰۰$

از این میزان می‌بایست مبلغ ۲۱/۲۳ میلیارد دلار به ارز انجام گیرد.

آنچه در این گزارش آورده شد شماتی از وضعیت اقتصادی کشور است که ضمن آن پاره‌ای از دلایل اصلی

ایجاد و استمرار نابسامانی‌های موجود نیز در آن ذکر گردید. توجه دقیق به آمار و حقایق ذکر شده می‌تواند محرز کی باشد برای تجدیدنظر در برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی با هدف خروج از شرایط نامطلوب فعلی.

۱- بهینه‌انسان اسفهان بر پایه سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۷۲ برابر با ۱۰۵۸۰۵ کیلومتر مربع است.

۲- کشور کره (کره شمالی و جنوبی امروز)، از سال ۱۹۹۰ تا سال ۱۹۹۵ (سال تسلیم بدون جنگ ژاپن در جنگ دوم جهانی)، مستعمره کشور مزبور بود. از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۵۳ میان دو بخش شمال و جنوب کشور مزبور، جنگ‌های خونینی به وقوع پیوست که سرانجام به تقسیم‌بندی کتونی شبه جزیره کره انجامید. در جنگ‌های داخلی کره، آمریکا از کره جنوبی حمایت می‌کرد و کره شمالی از پشتیبانی آشکار چین و حمایت ناپیدای شوروی سابق برخوردار بود.

۳- اولین کوشش در راه ایجاد کارخانه ذوب آهن در ایران به دوران حکومت ناصرالدین شاه برمی‌گردد. در این سال، امین الضرب سفارش یک کارخانه ذوب آهن را به روسیه داد و چون در آن زمان کارخانه‌های ذوب آهن به جای ذغال‌سنگ با چوب کار می‌کردند، فرار شد که کارخانه‌های مزبور در بهشهر و در کنار جنگل استقرار یابد. اما، روس‌ها با توجه به سیاست استعماری خود در مورد ایران، از اجرای این قرارداد سرباز زدند. کوشش دوم مربوط به سالهای پیش از جنگ جهانی دوم است. در نیمه‌های دهه دوم سده حاضر خورشیدی، دولت ایران اقدام به خرید یک کارخانه ذوب آهن به ظرفیت ۳۰۰ هزار تن در سال از شرکت آلمانی کروب کرد. بخش‌هایی از ساختمان این کارخانه نیز در شهر کرج ساخته شد. کشتی‌های حامل ماشین‌آلات این دو کارخانه از سوی دولت انگلیس در دریا مصادره شد و در نتیجه این کوشش ایران نیز ناکام ماند.

۴- Estimate of National Income of Iran 1337-40 (1958-61) Department of Planning and Projects-Plan Organisation-june 1963

۵- این برابری میان ۶۸/۵ تا ۷۱/۵ ریال در نوسان بود.

۶- از آنجا که بیشتر درآمدهای ارزی ایران از راه نفت به دلار بود، لذا ریال در برابر دلار تثبیت شده بود. با نوسان دلار برابر دیگر ارزها در نوسان بود.

۷- در سال ۱۳۵۷ که برابری هر دلار برابر با ۷۰ ریال بود، نرخ برابری دلار برابر روپیه پاکستان میان ۱۶-۱۲ بود. امروز ۲۴ روپیه برابر یک دلار است.

۸- واقع در اروندکنار، در کناره بهمنشیر.

۹- در این رده‌بندی تنها بندرهای که دارای بیش از ۲۰ هزار تن تخته و بارگیری در سال بوده‌اند در نظر گرفته شده‌اند.

۱۰- از آنجا که در سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۷۲، رقم مشخصی پیرامون جابجایی مسافر از فرودگاه مهرآباد داده نشده است. رقم $۴/۹۹۹/۰۰۰$ از جدولهای گوناگون سالنامه مزبور محاسبه شده است.

۱۱- Mercedes Benz, Mak, Leyland, Volvo. به جز کارخانه لیلاند که دستخوش تلاطم بسیار گردید، هنوز سه بارکش دیگر، در رده‌های اول جهانی قرار دارند.

۱۲- $۳۶۱/۹۰۳$ هزار بشکه در روز و هر $۷/۴۹$ برابر با یک تن. در این رقم، تولید گاز مایع نیز برآورد شده است.

Asian Tigers ۱۴

The Economist, June 1995 ۱۵

Disinvestment ۱۶

۱۷- هر دلار برابر با ۳۰۰۰ ریال